



«تنهایی» بحران آینده کلانشهرها/ غریبی در شهر محصول خانه به دوشی

نتیجه یک پژوهش در شهر تهران نشان می دهد همبستگی، تعامل و مشارکت اجتماعی در پایتخت کشور، وضعیت نامطلوب و نگران کننده ای دارد.

نتیجه یک پژوهش در شهر تهران نشان می دهد همبستگی، تعامل و مشارکت اجتماعی در پایتخت کشور، وضعیت نامطلوب و نگران کننده ای دارد.

خبرگزاری مهر - گروه جامعه: در این شهر آدم گم می شود میان چهره های ناآشنا. حتی داستان آدمهایی که روز از کنارشان می گذریم و به عادت و احترام سری برایشان تکان می دهیم را هم نمی دانیم. آدم هایی که تنها به فاصله یک دیوار از ما فاصله دارند. در این لانه های کوچک به هم فشرده که برایمان نقش خوابگاه را بازی می کنند هرکس به فکر انبوه کارهای عقب افتاده است که تمامی ندارد.

دیگر نه همسایگی مفهوم واقعی خودش را دارد و نه محله ها مثل قدیم است. محله برای قدیمی ها حکم وطن را داشت اما حالا دیگر چیزی به نام محله باقی نمانده است. دیگر کسی از کسی نمی پرسد. بچه کدام محله هستی. هر سال با گران و ارزان شدن قیمت اجاره و مسکن، محل زندگی آدمها مشخص می شود. در این شهر پر از شتاب، روابط انسانی هر روز کم رنگ تر از گذشته می شود. این موضوع را پژوهش های اجتماعی هم تایید می کند.

پژوهش های اجتماعی با موضوع شهر تهران نشان می دهد، غریبی در شهر تهران به خصوص در بین اعضای طبقات بالا و متوسط جدید، رشد داشته و می تواند به عنوان یک مسئله اجتماعی مورد توجه قرار گیرد. غریبی اجتماعی مسئله مخربی است که می تواند موجب گسترش تنهایی، عدم صمیمیت اجتماعی، بی احساسی، پوچ گرایی، بی هویتی، کاهش همبستگی اجتماعی، تضعیف مسئولیت پذیری اجتماعی و کاهش مشارکت اجتماعی شود.

جامعه شناسان غریبی اجتماعی را یکی از موضوعات مهم شهرهای بزرگ کشور از جمله شهر تهران می دانند. وجود مسئله غریبی اجتماعی و اثرات مخرب آن مانند حس تنهایی، اختلال هویتی، گسست اجتماعی و... را می توان در لیست عیب های مهم این شهر و تمام کلان شهرها قرار داد. آسیبی که نتیجه گسترش بیش از حد شهرنشینی است.

امان الله قرایی مقدم جامعه شناس معتقد است: زندگی و تعاملات اجتماعی، در شهرهای بزرگ چون تهران، کرج و امثالهم از یک همزیستی بیمارگونه برخوردار است. یعنی علاوه بر آنکه فروریختگی فرهنگی صورت گرفته و دچار آنومی اجتماعی است گرفتار انواع آسیب های اجتماعی نیز شده است. شهر تهران دنیای بیگانه ها، دنیای تنهایی و بی کسی و هر کس در لاک خود فرو رفته، خودکنترلی و تعاملات اجتماعی ضعیف شده و از «بی سازمانی اجتماعی» رنج می برد و گرفتار نظام گسیختگی است. به همین سبب مائمن متکدیان، معتادان، خلافکاران و... گردیده و آنان به قول: «شاو» (Shaw) و «مک کی» (Henry Mackey) جامعه شناسان مکتب شیکاگو، بدون کمترین ترس و نگرانی در انبوه جمعیت گم می شوند. درچنین جامعه ای که به نظر «فردیناند تونیس» جامعه شناس و اندیشمند آلمانی «جامعه صوری» در مقابل «جامعه معنوی» است. فرد به عنوان عنصری منفک از جامعه و در پیوندی قراردادی با آن صرفا مصالح خویش را به هنگام ارزیابی سود و زیان هراقدام و اخذ تصمیم در نظر دارد. چنین فردی عنصری از کل یک ارگانیزم به هم پیوسته فعال و کاراست. روابطی شکننده او را با دیگران پیوند می دهد و مصلحت گرایی، خود گرایی، خودخواهی (خودمحوری و بالاخره از خود بیگانگی مدار اندیشه و عمل او را تشکیل می دهد.

به اعتقاد او در چنین جامعه ای انسان در جمع همچون شبحی متحرک است. هویتش ناشناخته، نام و سوابقش نامشخص و به طور کلی موجودی مرموز در برابر دیگران است. از همین روست که به زعم «شاو» شهرهای بزرگ مائمن جنایتکاران است و آنان بی هیچ نگرانی در انبوه انسان ها پنهان می شوند. باز از همین روست که در شهر تهران انسان منزلتی ناشناخته دارد و باید در هر آن در برابر دیگران منزلت خاص خود را به اثبات برساند و بی نامی بر جامعه حاکم است. تعاملات اجتماعی در شهر تهران به علت الگوهای کنترل نشده مهاجرت، آنکه افراد مهاجر از خرده فرهنگ خود جدا افتاده و خودکنترلی ضعیف شده و از بی سازمانی اجتماعی رنج می برد همانند گیاهانی که در خاک به طور طبیعی رشد می کنند به اجبار در کنار یکدیگر قرار گرفته و تحت تاثیر جریان هایی هستند که در اختیارشان نیست افراد مرتبا در معرض یادگیری الگوهای موافق قانون شکنی هستند؛ از لحاظ تعاملات اجتماعی دچار یک «همزیستی بیمار گونه» هستند و از معیارها، رفتارها و ارزش هایی پیروی می کنند که با فرهنگ مسلط در شهر در تضاد است.

به گفته این جامعه شناس از نمونه های این بی تفاوتی نسبت به یکدیگر ماجراهای شرم‌آوری است که در گوشه و کنار شهر تهران هر روز به وسیله روزنامه ها گزارش می شود که پدری در تنهایی و بی کسی جان سپرد و بعد از سه روز به وسیله همسایگان به پلیس اعلام شد. همسایه از همسایه بی خبر است. در شهر تهران، هر کسی به فکر خویش است به همین جهت بسیاری از برخوردها غیرشخصی است. دنیایی است که هر کس در لاک خود فرو رفته و به فکر خویش است. تخم مرغ شهر تهران، پوسته ای سخت دارد که شکستنش دشوار است. بسیاری از افراد در ایستگاه‌های اتوبوس یا مترو و در رستوران و غذاخوری ها یا هنگام عبور از راهروهای محل کار هرگز چیزی بیشتر از بیگانه های آشنا نیستند، مردم در کوچه و خیابان از کنار هم می‌گذرند بدون آنکه یکدیگر را احساس کنند و روابط صوری و مکانیکی و رباتیک است.

تعلقات اجتماعی و محله ای در کلان شهرها شکننده است

بر اساس پژوهشی که مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران به تازگی در خصوص غریبگی در شهر تهران انجام داده است، بخش قابل توجهی از ساکنان شهر تهران را مهاجرین تشکیل می‌دهند و تعداد افرادی که چند نسل پی در پی در تهران به دنیا آمده‌اند و در آن سکونت دارند چندان چشمگیر نیست. این در حالی است که مطالعات مختلف، مدت زمان سکونت را بر ایجاد تعلق مکانی ساکنین مؤثر می‌دانند، به نحوی که هرچه مدت زمان سکونت فرد در شهر بیش‌تر شود تعلق مکانی وی نیز افزایش می‌یابد، بنابراین تحرکات جغرافیایی شدید و سکونت تعداد زیادی از مهاجران در شهر تهران، نشانگر عدم مکان‌مندی و شکننده بودن تعلقات اجتماعی و محله‌ای در این شهر است.

این پدیده می‌تواند بر ایجاد و گسترش غریبگی اجتماعی تأثیرگذار باشد. هرچند مهاجرت‌های صورت گرفته به شهر تهران، بیشتر گروهی و قومی است، به نحوی که معمولاً مهاجران یک روستا یا یک شهرستان در جوار هم و در منطقه‌ی جغرافیایی مشترکی زندگی می‌کنند اما، هماهنگی و همنوایی خرده فرهنگ‌های قومی با فرهنگ شهری به سختی صورت می‌پذیرد و احساس تعلق به شهر میزبان به عنوان شهر خویش زمان بر است. در نتیجه این پدیده می‌تواند به ایجاد غریبگی با شهر و شهرنشینان و کاهش مشارکت اجتماعی در آن منجر شود.

نقش عوامل فرهنگی و اجتماعی در مهاجرت بیش از عوامل اقتصادی است

یکی از مهم‌ترین علل مهاجرت به تهران میل به گم‌شدگی در شهر و تعقیب سبک زندگی فردی است به اعتقاد جامعه شناسان شهری، یکی از مهم‌ترین علل مهاجرت به تهران میل به گم‌شدگی در شهر و تعقیب سبک زندگی فردی است که در بسیاری از شهرستان‌های کوچک و روستاها امکان‌پذیر نیست. در نتیجه برخلاف بسیاری از تحقیقات که عامل اقتصادی را مهم‌ترین علت مهاجرت به تهران می‌دانند می‌توان بر نقش عوامل اجتماعی و فرهنگی نیز در بررسی پدیده مهاجرت تأکید کرد. این نکته خود می‌تواند مویید وجود غریبگی در شهر تهران باشد.

همچنین پدیده مهاجرت گسترده درون شهری که می‌توان آن را «خانه به دوشی» نامید افراد بسیاری را از خانه و محله خویش دور ساخته است. فردی که مجبور است هر روز برای رسیدن به محل کار خود، مسافت زیادی را طی کند و بخش مهمی از وقت خویش را در این راه سپری کند وقت کم‌تری برای حضور در خانه و محله خویش دارد. در نتیجه امکان هم نشینی با اعضای خانواده، خویشاوندان و تعامل و مشارکت در مسائل محله‌ای به شدت کاهش خواهد یافت. حاصل این وضعیت ایجاد و گسترش غریبگی اجتماعی است. این شرایط تضعیف هویت و صمیمیت خانوادگی و محله‌ای را به همراه خواهد آورد و پیوندهای اجتماعی افراد را سست خواهد کرد. علاوه بر این رواج پدیده‌ی اجاره نشینی در شهر تهران نیز موجب کاهش دلبستگی و پیوند اجتماعی افراد با محله و محیط زندگی خویش شده است.

رواج خانواده‌گرایی در تهران نسبت به بسیاری از شهرستان‌ها کمتر است

به گزارش مهر، بر اساس تحقیقات مختلف انجام شده رواج خانواده‌گرایی در تهران نسبت به بسیاری از شهرستان‌ها کمتر است. همچنین امروزه در تهران شاهد ظهور خانواده‌های جدیدی هستیم امروزه در تهران شاهد ظهور خانواده‌های جدیدی هستیم که کمتر سابقه‌ای در تاریخ خانواده در ایران داشته‌اند مانند: خانواده‌های کم یا بدون فرزند، خانواده‌های بدون سالمند، خانواده‌های هم‌بالین، خانواده‌های تک والد و.... همچنین، یکی از الگوهای در حال رشد در جامعه شهر تهران، گسترش خانواده‌های تک نفره است که کمتر سابقه‌ای در تاریخ خانواده در ایران داشته‌اند مانند: خانواده‌های کم یا بدون فرزند، خانواده‌های بدون سالمند، خانواده‌های هم‌بالین، خانواده‌های تک والد و.... همچنین، یکی از الگوهای در حال رشد در جامعه شهر تهران، گسترش خانواده‌های تک نفره است. جوانان مجردی که به ادامه زندگی با پدر و مادر و اعضای خانواده تمایل ندارند. از جمله دلایل رشد

این پدیده در شهر تهران، افزایش آمار طلاق، افزایش آمار درگیری‌های خانوادگی و افزایش شکاف بین نسلی است. این پدیده نیز بیش‌تر در رابطه با سبک زندگی طبقات بالا و متوسط جدید جامعه تهران قابل توجه است.

در نتیجه، نسبت ازدواج به طلاق در استان و شهر تهران بسیار نگران کننده است. این نسبت نشانگر تعداد قابل توجه طلاق‌های ثبت شده است که می‌تواند عواقب وخیم خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی به همراه آورد.

همچنین وجود نزاع‌های خانوادگی، بخش دیگری از واقعیت نامطلوب موجود را منعکس می‌کند. تحرکات خانوادگی و واقعیت‌های مربوط به نرخ ازدواج و طلاق و نزاع‌های خانوادگی نیز نشانگر وجود مشکلات اجتماعی و خیمی است. با توجه به نقش مهم خانواده در ایجاد صمیمیت بین افراد و همچنین انتقال آداب و رسوم و سنت‌ها به فرزندان، نرخ بالای طلاق و وجود نسبت قابل توجهی از درگیری‌های خانوادگی در شهر تهران بسیار هشداردهنده است. اگر خانواده نتواند کارکرد آرامش بخش و صمیمیت‌ساز خود را به خوبی ایفا کند، وقوع پدیده غریبی در شهر به هیچ وجه غیرمنتظره نیست. «خانه‌های از هم گسسته»، مردان و زنانی تنها و فرزندان آسیب دیده را تولید می‌کنند که تعلقات اجتماعی آنها بریده شده، با یکدیگر غریبه هستند و از معضلات روحی و روانی رنج می‌برند. همچنین، گسترش خانواده‌های تک نفره می‌تواند نشانگر رواج تنهایی و غریبی در شهر تهران باشد.

نتیجه تحقیقات غریبی در شهر تهران نشان می‌دهد همبستگی، تعامل و مشارکت اجتماعی در شهر تهران از وضعیت نامطلوب و نگران کننده‌ای برخوردار است. تحرکات جغرافیایی، اجتماعی، خانوادگی و سیاسی از جمله علل مؤثر در ایجاد و گسترش غریبی اجتماعی در شهر تهران هستند و هر یک جنبه‌ای از وضعیت نابسامان موجود را منعکس می‌کنند.

گسترش تمایزات اجتماعی در شهر تهران، به پیدایش منش‌های فردی منجر شده است و فردگرایی در بین شهرنشینان گسترش یافته است. در این وضعیت، بسیاری سنت‌ها و آداب و رسوم جمعی به فراموشی سپرده شده‌اند، نمادها و مکان‌های محلی کارکرد اجتماعی خویش در جهت ایجاد هویت محله‌ای را از دست داده‌اند، از میزان دید و بازدیدها و مراسم خویشاوندی جمعی کاسته شده است و روابط همسایگی رنگ و بوی صمیمانه و دوستانه خود را از دست داده است. فردگرایی موجود در بسیاری موارد حالت خودخواهانه و منفعت جویانه پیدا کرده و افراد جامعه مانند ذره‌هایی خودبسنده و تنها روابط خود با دیگری را تا حد ممکن محدود کرده‌اند.

اگرچه غریبی امروزه بیش‌تر در رابطه با سبک زندگی طبقات بالا و متوسط جدید شهر تهران مطرح است، اما در صورت عدم توجه به آن و عدم برنامه‌ریزی در جهت کاهش و درمان آن می‌تواند در بین دیگر طبقات اجتماعی شهر تهران نیز بیش از پیش گسترش یابد.

منظور از مقابله با مسئله غریبی به هیچ وجه محدود کردن حریم شخصی فرد و دخالت در حوزه‌ی خصوصی فردی نیست؛ به عبارت دیگر باید توجه داشت که در جهت مقابله با غریبی اجتماعی و افزایش همبستگی و مشارکت اجتماعی نباید در دام ایجاد جامعه‌ای کنترل شده افتاد.

احساس تنهایی افراد در شهرهای بزرگ به آنها آسیب می‌رساند

موضوع این پژوهش دغدغه بسیاری از فعالان اجتماعی و آسیب شناسان است. احمد خردمند جامعه شناس با اشاره به کاهش ارتباطات اجتماعی میان اعضای جوامع شهری به نحوی که حتی همسایه‌ها اسم همدیگر را هم نمی‌دانند، گفت: این مسئله که افراد در شهرهای بزرگ احساس تنهایی می‌کنند از نظر روانی به آنها آسیب وارد می‌کند.

او ادامه داد: انسان‌ها نیاز به حمایت، پشتیبانی، ارتباط و صمیمیت دارند ولی هرچه به سمت صنعتی شدن گام بر می‌داریم مسائل انسانی، عاطفی و اجتماعی کمتر می‌شود و همه به جای همدلی از مراجع رسمی و معتبر دولتی انتظار دارند که مسئولیت‌های اجتماعی را برعهده بگیرند.

خردمند توضیح داد: اگر در یک محله یک نفر موادفروش بود، در دهه‌های قبل، خود اهل محل به تلاطم می‌افتادند که جلوی این کار را بگیرند ولی اکنون همه تلاش می‌کنند خود را کنار بکشند و از دولت و نیروی انتظامی بخواهند که وارد عمل شود.

این مسئله ناراحت کننده است و به رشد آسیب‌ها کمک می‌کند. باید سعی کنیم که تمام آحاد مردم خودجوش احساس مسئولیت کنند و در برابر آسیب‌های اجتماعی و بحران‌های رو به رشدی که جامعه با آن مواجه است خودشان را چه از طریق سازمان‌های مردم‌نهاد و چه کارهای فردی و اجتماعی و محله‌ای فعال کنند.

سعید معیدفر، جامعه‌شناس نیز با بیان اینکه تمدن امروز ویژگی‌های خاص خودش را دارد قاعدتا در چارچوب تمدن جدید جوامع از یک ساختار قدیمی به تدریج به ساختار جدیدی تغییر شکل می‌دهند. اگر در ساختار قدیمی روابط فامیلی و خویشاوندی و قبیله‌ای اهمیت داشته و محلات رنگ و بوی خویشاوندی و طایفه‌ای داشته‌اند طبیعی است در کلان‌شهرهای جدید با جمعیت بالا این ارزشهای اولیه مانند قدیم اهمیت خود را از دست بدهند. در قدیم اگر مهاجرت هم به تهران وجود داشت طایفه‌های مختلف تلاش می‌کردند در یک مکان متمرکز شوند اما در حال حاضر تنوع جمعیتی در مکان‌های مختلف بوجود آمده و می‌توان گفت تهران، یک ایران است و از همه اقوام ملل و حتی از کشورهای دیگر هم در آن جمع شده‌اند.

وی ادامه داد: ایجاد شهرک‌هایی در دل این کلانشهر تا حد زیادی با این انگیزه بود که هویت مشترک منطقه‌ای شکل بگیرد که متأسفانه آن هم در حال رنگ باختن است و تلاش می‌شود تعلق به مکان از بین برود. در همین تهران کسانی بودند که خیلی به منطقه مورد سکونت خود علاقه‌مند بودند ساکنان منطقه ۶ یا شمیران. اما به تدریج با افزایش ساخت و سازها محلات قدیمی تخریب شد و یک نوع نامکانی رواج پیدا کرد.

کاهش عمر سکونت در محلات تهران

معیدفر با اشاره به برخی از پژوهشها در خصوص طول اقامت افراد در محلات گفت: بر اساس یکی از این پژوهشها عمر سکونت در یک منطقه به زیر ۵ سال رسیده که بسیار قابل تأمل است و نشان می‌دهد جمعیت دائماً در حال حرکت و مهاجرت هستند و همین موضوع باعث جدا افتادگی انسانها از هم و تنهایی بیشتر انسانها می‌شود. در کشورهای در حال توسعه برای پیشگیری از چنین مشکلاتی تلاش می‌شود مشارکت مردم در سرنوشت محلات افزایش پیدا کند. پارلمان‌های محلی تصمیم‌گیری‌ها را در خصوص محل زندگی بر عهده شهروندان می‌گذارند.

این جامعه‌شناس با اشاره به وجود شهرک‌های قدیمی در تهران تصریح کرد: شهرکی مانند اکباتان می‌توانست همین نقش را که کشورهای توسعه‌یافته برای تعلق به مکان زندگی پیشنهاد می‌کنند، ایفا کند اما می‌بینیم مدیریت شهری با برهم زدن طبیعت این شهرک‌ها و از بین بردن فضاهای تعامل بین آدمها، تخریب محیط زیست، ایجاد مال‌ها (مجموعه‌های تجاری) ساختار این شهرک‌ها را برهم می‌زند و هویت شهر را از بین می‌برد.

او نحوه مدیریت بر شهر را در بی‌قراری و بی‌ثباتی شهر تأثیرگذار دانست و گفت: در کشورهای در حال توسعه با پررنگ کردن نقش انجمن‌ها و نهادهای مدنی، صنوف، مشارکت مردم را در اداره محل زندگی افزایش می‌دهند اما در تهران، ما نهادهای مشابه مان مانند شوراهای محله بیشتر نقش تزئینی دارند و نه واقعی. محلات ما به واقع محله نیستند دور یک سری پلاک خط کشیده‌اند و مثلاً اسمش را گذاشته‌اند محله شماره ۳۷۴ و یک اسمی هم برای آن تعیین کرده‌اند اما این محله هویت محلی ندارد. هویت محلی زمانی واقعی است که آدمهای آن محله به هم پیوند بخورند و در مسائل محله مشارکت فعال داشته باشند در حالی که می‌بینیم در شهری مثل تهران، افراد زمانی که از خانه‌هایشان بیرون می‌آیند با محیط اطراف حس غریبی دارند و هیچ تعلق خاطری به آن ندارند. در مثالی ساده‌تر ما می‌بینیم همه ما به پاکیزگی داخل خانه که خود چقدر اهمیت می‌دهیم اما در خصوص پاکیزگی شهر نگرانی چندانی نداریم. حریم پیاده‌روها، فضای سبز به راحتی مورد تعرض قرار می‌گیرد. اعتراض شهروندان نیز به جایی نمی‌رسد. در همین شهرک اکباتان دیدیم که چگونه در محوطه باز آن ساخت و ساز کردند و صدای اعتراض مردم نیز به جایی نرسید. این با محله محوری در تضاد است.

این جامعه‌شناس با بیان اینکه به نظر می‌رسد مدیریت شهری نیز تمایل دارد مردم نسبت به محیط اطرافشان بی‌تفاوت باشند زیرا آسان‌تر انجام می‌دهد بدون آنکه اعتراضی به برنامه و کارهایی می‌دهد شود.

به گفته معیدفر برای کاهش حس غریبی مشارکت مردم را افزایش داد و بدنبال نظم اجتماعی پایدار بود و با مدیریت متمرکز تنها نظم‌شکننده‌ای ایجاد می‌شود که محصول آن در آینده بی‌تفاوتی مردم به شهر و محیط اطرافشان است.

کارشناسان و پژوهشگران اجتماعی برای پیشگیری از این بحران در کلان‌شهرها پیشنهاد می‌کنند، تمهیدات مناسب در جهت تقویت پیوندهای خانوادگی و افزایش عاطفه و صمیمیت در بین اعضای خانواده و تقویت فرهنگ دید و بازدیدهای خویشاوندی و خانوادگی اندیشیده شود. همچنین در جهت افزایش نزدیکی و صمیمیت در بین همسایه‌ها و هم‌محلی‌ها، توسعه طرح مدیریت محله و بازسازی هویت محلات از راه‌های مختلف از جمله ایجاد نمادها و شاخص‌های محلی و تلاش در راه افزایش مشارکت اجتماعی ساکنین در حل مشکلات محله، برنامه‌ریزی و ایجاد تمهیدات مناسب برای جلوگیری از مهاجرت

بیش از حد ساکنین دیگر مناطق به تهران و جلوگیری از مهاجرت درون شهری افسار گسیخته، تقویت احزاب و تشکل‌های سیاسی به منظور گسترش هویت اجتماعی و سیاسی، تقویت فرهنگ عضویت و فعالیت در انجمن‌های داوطلبانه و حمایت همه جانبه دولت از آنها و تقویت حوزه عمومی و فضاهای عمومی شهری برنامه ریزی های لازم انجام شود.